

طراحی الگوی پرورش کارآفرینان در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران

فاطمه طباطبایی^۱، عباس عباس‌پور^۲، حمید رحیمیان^۳، سعید غیائی ندوشن^۴

چکیده

زمینه و هدف: بازار امروز صنایع تحت تأثیر خلاقیت و نوآوری افرادی است که توانایی خلق ارزش در چرخه صنعت را دارند. از این رو، پرورش و تربیت کارآفرینان به نوعی مزیت رقابتی تبدیل شده است. انجام این وظیفه در جامعه بر عهده دانشگاه‌ها است. با توجه به اهمیت موضوع کارآفرینی، هدف اصلی تحقیق حاضر طراحی الگوی پرورش کارآفرینان در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران است.

روش‌شناسی: در این پژوهش از استراتژی پژوهش آمیخته اکتشافی استفاده شد. در بخش کیفی از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد و در بخش کمی از روش تحقیق توصیفی - پیمایشی بهره‌گیری شد. جامعه آماری بخش کیفی شامل ۱۲ نفر از اساتید خبره و متخصصانی بودند که به روش نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب شدند. در بخش کمی نیز از نظرات ۴۰۰ نفر از دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های دولتی منتخب شهر تهران استفاده شد. این تعداد از طریق روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. همچنین، برای جمع‌آوری داده‌ها در بخش کیفی از ابزار مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و در بخش کمی از ابزار پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج تحلیل داده‌های پژوهش به کمک سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی نشان داد که زیرساخت‌ها و سرمایه به‌عنوان شرایط علی، ارتباط صنعت با دانشگاه به‌عنوان شرایط زمینه‌ای، مهارت‌ها و توانمندی‌ها به‌عنوان شرایط مداخله‌گر، آموزش به‌عنوان مقوله محوری، حمایت و ترویج فرهنگ کارآفرینانه به‌عنوان راهبردها و ایجاد اشتغال و افزایش رفاه نیز به‌عنوان پیامدهای پرورش کارآفرینان در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران هستند.

نتیجه‌گیری: مدیران باید در تعامل مؤثر زیرساخت‌های اصلی آموزش کارآفرین با صنعت، آموزش و تجربه کاری را برای افراد فراهم سازند. این امر می‌تواند از طریق ترویج فرهنگ کارآفرینانه و حمایت از خلاقیت و نوآوری و پشتیبانی مالی میسر گردد. پیامد اصلی این اقدامات، ایجاد اشتغال و افزایش رفاه عمومی در جامعه خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: کارآفرینی، پرورش کارآفرینان، آموزش عالی، دانشگاه‌های دولتی، ارتباط صنعت با دانشگاه

۱. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران، تهران، ایران.

۲. دانشیار، گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران، تهران، ایران.

۳. دانشیار، گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران، تهران، ایران.

۴. استادیار، گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران، تهران، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۰۹/۱۳

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۹۸/۱۲/۲۰

نویسنده مسئول مقاله: فاطمه طباطبایی

E-mail: bahar.tabatabaee@yahoo.com

مقدمه

بهبود وضعیت اقتصادی یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های مسئولین و تصمیم‌گیرندگان کلان‌کشوری است. رشد اقتصادی هر کشور رابطه‌ی زیادی با ایجاد و بهبود زیرساخت‌های اقتصادی و فضای کسب‌وکار آن کشور دارد. آشنایی با محیط کسب‌وکار و عوامل پیش‌برنده و بازدارنده زیرساختی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در توسعه کارآفرینی و کسب‌وکار نقش مهمی دارد (رای^۱، ۲۰۱۸). امروزه، توسعه کارآفرینی به عنوان عامل فعال‌سازی توسعه اقتصادی کشورها شناخته شده است. در ایران نیز توسعه کارآفرینی در برنامه‌های ۵ ساله سوم و چهارم به منظور مقابله با افزایش نرخ بیکاری مطرح شده است. در برنامه چهارم توسعه، ارزیابی سیاست‌ها و برنامه‌های مربوط به کارآفرینی نیز مورد توجه قرار گرفته است (داوری و دیگران، ۲۰۱۲). همچنین، در بیانات رهبری به عنوان یکی از رهنمودها و اسناد بالادستی به مسئله ایجاد اشتغال و پرورش کارآفرینی و اهمیت آن اشاره شده است (بیانات در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور، ۱۳۸۹)، علاوه بر آن، بر اساس سیاست‌های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و برنامه‌های وزیر وقت، یکی از رویکردهای آتی وزارت به عنوان سند بالادستی دانشگاه‌ها، سوق دادن تدریجی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی به سمت دانشگاه‌های جامعه محور، کارآفرین و خلاق معرفی شده است.

با توجه به مشکلات عرصه کسب‌وکار و معضل بیکاری کشور، متأسفانه معیارهای انتخاب، شناخت و پرورش کارآفرینان تا حدود زیادی مبهم و چندگانه است. به اعتقاد کارشناسان و متخصصان، بهترین روش ایجاد اشتغال و حل مسئله بیکاری در شرایط فعلی کشور، توسعه و گسترش فرهنگ کارآفرینی در جامعه است؛ زیرا یکی از علل اصلی رشد نرخ بیکاری، توسعه‌نیافتگی فرهنگ کار و کارآفرینی در جامعه است (فرجی و همکاران، ۱۳۹۳). توجه به کارآفرینی، ایجاد و توسعه آن گام مثبتی در جهت ایجاد فضای مناسب جهت افزایش منابع ملی، کاهش نرخ بیکاری، تعادل ساختاری و توسعه در شهرها و روستاها خواهد بود (امینی و همکاران، ۱۳۹۲).

پرورش کارآفرینی پیش‌شرط رشد و توسعه اقتصادی جامعه است (ژائو^۱، ۲۰۱۵). برای نیل به این هدف باید بستر و زمینه اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مناسبی وجود داشته باشد، (والف^۲، ۲۰۱۷)؛ کارآفرینان آموزش دیده و متعهد در عین حالی که اساسی‌ترین عامل ایجاد خودکفایی هستند، سرمایه‌ای با عمر بیشتر محسوب می‌شوند و در طول زمان نه تنها مستهلک نمی‌شوند، بلکه بارورتر شده و اطلاعات و کاردانی خود را به خصوص در عرصه‌های تولید به افراد دیگر منتقل نموده و در واقع به عاملی سرمایه‌ساز تبدیل می‌شوند (جاکوب و همکاران^۳، ۲۰۱۳).

در حال حاضر، با توجه به روند رو به رشد آموزش کارآفرینی در جهان و کشورمان، پرورش کارآفرینان و ورود به کسب‌وکار و ایجاد اشتغال آن‌ها از دغدغه‌ها و کنجکاوی‌های اساسی متولیان امور است. در این میان، دانشگاه‌ها به‌عنوان عاملی تأثیرگذار در تربیت دانشجویان و اثربخشی آموزش‌های مربوطه محسوب می‌شوند. دانشگاه‌ها باید قادر باشند تا دانشجویان کارآفرین را برای فعالیت در محیط‌های غیرساختارمند و نامشخص تربیت کنند. با توجه به اینکه الگویی برای یاددهی کارآفرینی به نسل جوان و پرورش کارآفرینان نوپا موجود نیست و بی‌توجهی به این مسئله سرخوردگی دانشجویان علاقه‌مند به ایجاد کسب‌وکار را در پی خواهد داشت؛ دانشگاه‌ها می‌توانند در آموزش و پرورش کارآفرینان پیشرو بوده و با استفاده از اساتید و دست‌اندرکاران خیره آموزش‌های لازم را برای شروع کارهای اقتصادی در اختیار کارآفرینان قرار دهند و آن‌ها را برای ورود به بازار کار آماده کنند. بنابراین، شناسایی وضعیت موجود دانش و نیازهای آموزشی در زمینه کارآفرینی در رشته‌های دانشگاهی برای شروع فرایند بلندمدت آموزش و پرورش کارآفرینی ضرورت دارد. با توجه به مطالب فوق، مسئله اصلی تحقیق حاضر طراحی و اعتبار‌یابی الگویی برای پرورش کارآفرینان در مؤسسات آموزش عالی ایران است. بر این اساس، تلاش می‌شود تا کاوشی عمیق در شناسایی مقولات اصلی، شرایط علی، عوامل زمینه‌ای، راهبردها و پیامدهای پرورش کارآفرینان در مؤسسات آموزش عالی انجام شود و با بهره‌گیری از روش کیفی نظریه برخاسته از داده‌ها، الگوی پرورش کارآفرینان در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران ارائه شود.

1. Zhao
2. Walfe
3. Jacob et al.

اجرای این تحقیق از دو جنبه حائز اهمیت است؛ از دیدگاه علمی موضوع پرورش کارآفرینان در آموزش عالی ایران به شکل عام و در مدیریت آموزشی به شکل خاص چندان مورد توجه قرار نگرفته است. از دیدگاه کاربردی نیز، سیر تحولات جهانی، کارآفرینان را در خط مقدم توسعه فن‌آوری و توسعه اقتصادی قرار داده است. تجربه موفقیت‌آمیز اغلب کشورهای پیشرفته و نیز برخی از کشورهای در حال توسعه در عبور از بحران‌های اقتصادی موجب شده است تا سایر کشورها نیز برای کارآفرینی، کارآفرینان و شکل‌گیری کسب‌وکارهای نوآورانه اهمیت خاصی قائل شوند. با عنایت به پدیده جهانی شدن اقتصاد، بسیاری معتقدند که «بازارهای جهانی فردا در اختیار شرکت‌هایی است که به ریسک‌پذیری کارآفرینانه بها می‌دهند و برای توسعه سرمایه‌های فکری خود در حد کلان سرمایه‌گذاری می‌کنند، در بالندگی فردی پرتلاش‌اند و در تعیین استراتژی‌ها، شرایط محیطی را مدنظر قرار می‌دهند». شناسایی مؤلفه‌های پرورش کارآفرینان در آموزش عالی می‌تواند در ایجاد اشتغال و رفاه اجتماعی نقش مهمی داشته باشد. کارآفرینی با هدف تبدیل فن‌آوری و دانش محققین به کسب‌وکار ایده‌آل، پیامدهایی نظیر افزایش بهره‌وری، ایجاد ثروت و رفاه را به دنبال خواهد داشت. امروزه نیاز کشور به پرورش کارآفرینان در تمامی عرصه‌ها از جمله دانشگاه‌ها بیش از پیش احساس می‌شود و انجام این پژوهش می‌تواند به مدیران دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی به شکل کاربردی کمک نماید.

پیشینه پژوهش

پیشینه نظری

دانشمندان علوم اجتماعی، روانشناسی، اقتصاد و مدیریت هر یک تعاریف خاصی برای کارآفرینان دارند، اما آنچه در اکثر آن‌ها می‌توان مشاهده کرد این نکته است که کارآفرینان محور توسعه اقتصادی بوده و با تخریب روش قدیم و ناکارآمد قبلی و جایگزینی آن‌ها با شیوه‌های کارآمد و نوین به نظام اقتصادی، پویایی و حیات می‌بخشند (امینی و همکاران، ۱۳۹۲). کارآفرینی، فرایند ایجاد چیزی باارزش از طریق تخصیص زمان و تلاش لازم است که ریسک‌های مالی، روانی و اجتماعی و همچنین دریافت پاداش‌های مالی و رضایت فردی را به

همراه دارد (هیسریچ و دیگران^۱، ۲۰۰۸). جفری تیمونز (۱۹۹۰) در خصوص کارآفرینی می‌نویسد: کارآفرینی خلق و ایجاد بینشی ارزشمند از هیچ است. کارآفرینی شامل خلق و توزیع ارزش و منابع بین افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و جامعه است. کارآفرینی به معنای «یک شبه پولدار شدن» نیست و از سوی دیگر ایجاد ارزش در درازمدت و جریان نقدینگی مستمر نیز نیست (ویلیام به ای گریو، ۱۹۹۴). جانسون^۲ (۲۰۱۱) معتقد است کارآفرینی مفهوم چند وجهی پیچیده‌ای است که امروزه توجه زیادی را به خود جلب کرده است و بیشتر صاحب‌نظران توافق دارند که کارآفرینی و کارآفرینان سهم به‌سزایی در توسعه اقتصادی دارند.

با توجه به تعاریف کارآفرینی، می‌توان شخص کارآفرین و ویژگی‌هایش را این‌گونه تعریف نمود. کارآفرین شخصی است: آینده‌نگر و دارای چشم‌انداز، مصمم، بالانگیزه، دارای تمرکز و از خودگذشتگی (حسینی و عزیزی، ۱۳۸۶). هر کارآفرین بالقوه یا بالفعل، به‌یک‌نسبت از این ویژگی‌ها و قابلیت‌ها برخوردار نیست. لذا کارآفرینان طیف متنوعی را شامل می‌شوند که همین باعث تنوع در تعریف کارآفرینی و کارآفرین شده است (عبدی، ۱۳۹۰).

از آنجایی که بخشی از کارآفرینی به صورت اکتسابی است، با استفاده از دوره‌های آموزشی می‌توان رفتار کارآفرینی را در افراد پرورش داد. در این راستا باید از برنامه‌های آموزشی شامل دانش کارآفرینی، مهارت‌ها و نگرش‌های ذهنی جهت توانمندسازی افراد برای مواجه‌شدن با چالش‌های کار و مشکلات اجتماعی در قرن ۲۱ استفاده کرد (ماری و همکاران، ۲۰۱۰). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مهم‌ترین عامل مؤثر در حرکت کارآفرینی از قوه به فعل، بروز روحیه کارآفرینی در افراد از طریق آموزش است. در این راستا، سازمان بین‌المللی کار^۳ به منظور ارتقاء کارآفرینی مدیران، برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای با عنوان سیب^۴ (شروع و تقویت کسب و کار) در کشورهای مختلف به وجود آورده است. علاوه بر آن، تغییر رویکرد دانشگاه‌ها طی چند دهه اخیر از آموزش و پژوهش به سوی دانشگاه کارآفرین، مسئله آموزش و پرورش کارآفرین و فرهنگ کارآفرینی را توسعه داده است، چرا که مأموریت‌های دانشگاه‌های کارآفرین تمرکز بر تحقق و انجام تدریس، تحقیق و فعالیت‌های

1. Hisrich et al.

2. Johnson

3. International Labor Organization

4. SIYB (Start and Improve Your Business)

کارآفرینی به طور هم‌زمان است (ایتز کوایتز، ۲۰۰۴). کردنائیج (۱۳۸۴) بیان می‌کند که؛ یکی از محورهای مهمی که در بحث دانشگاه کارآفرین وجود دارد، بحث چگونگی کارآفرین شدن و انجام اقدام‌های کارآفرینانه توسط دانشگاه است. وی معتقد است که پنج شاخص کلیدی برای کارآفرین شدن دانشگاه و پرورش کارآفرینان وجود دارد که عبارت‌اند از؛ ساختار منعطف، فرهنگ کارآفرینانه‌ی منسجم، تعامل مستمر با محیط، چشم‌انداز مشترک و راهبرد آینده‌نگر و توجه به نیروی انسانی. طالبی و زارع یکتا در سال ۱۳۸۷ نیز کارآفرینی دانشگاهی را حل مسائل علمی جامعه، دولت و بنگاه‌ها، ایجاد زمینه‌ی توسعه‌ی نوآوری در اعضای دانشگاه، عرضه‌ی نتایج تحقیقات دانشگاهی به بازار، تولید و عرضه‌ی فناوری‌های جدید و نوآوری در گسترش مرزهای دانش بشری می‌دانند و معتقدند که پرورش کارآفرینان باید در اولویت اول دانشگاه‌های کارآفرین قرار گیرد.

پیشینه تجربی

بررسی‌ها نشان می‌دهد که عوامل چندگانه‌ای بر پرورش کارآفرینان در دانشگاه‌ها تأثیر دارند. در این رابطه دیوید و همکاران^۱ (۲۰۱۱) در مطالعه‌ی کارآفرینان فنی متوجه این نکته شد که قابلیت‌های فردی کارآفرین، زیرساخت‌های دانشگاهی، کیفیت دانش اساتید و جو حاکم از فاکتورهای مهمی در پرورش کارآفرینان هستند. بایرلی (۲۰۱۶) در زمینه‌ی کشف کارآفرینی و نقش دانشگاه‌ها در پرورش کارآفرینان؛ سرمایه دانشی سازمان، حمایت، مقبولیت دانشگاه، سرمایه فکری و فرهنگ کارآفرینانه را به‌عنوان مهم‌ترین عوامل پرورش کارآفرینان بیان نمود. ماک^۲ (۲۰۱۴) در خصوص پرورش کارآفرینان در دانشگاه‌های کارآفرین مدلی را ارائه دادند که شامل متغیرهای؛ ساختار تأمین مالی، قوانین و سیاست‌ها، فرهنگ کارآفرینی، بخش‌های حمایتی، پشتیبانی، انگیزش کارآفرینان، روحیه و اشتیاق کارآفرینان و مهارت‌های آموزشی است. سالیوان (۲۰۰۰) نیز از منظر یادگیری کارآفرینانه، استاد - شاگردی را شیوه‌ای مؤثر برای یادگیری و آموزش کارآفرینان در چرخه عمر کسب‌وکار، شامل طرح‌ریزی، بقا، ثبات، جهت‌گیری رشد، رشد سریع و بلوغ منابع معرفی کرد. پورآتشی و پرهیزکار (۱۳۹۶) نیز به طراحی مدل مفهومی صلاحیت‌های کارآفرینی دانش‌آموختگان دانشگاه کارآفرین پرداختند، بر

1. David et al.

2. Mok

اساس نتایج حاصله، صلاحیت‌های کارآفرینی دانش‌آموختگان در شش گروه شامل صلاحیت‌های فردی و شناختی، ارتباطی، رهبری و کار تیمی، صلاحیت‌های ایجاد و مدیریت کسب و کار، صلاحیت اقتصادی و پژوهشی دسته‌بندی می‌شود. همچنین مأموریت دانشگاه به عنوان پیش‌بین صلاحیت کارآفرینی در سه دسته آموزشی، پژوهشی و خدمات حمایتی در نظر گرفته شد و نیت کارآفرینی به عنوان خروجی صلاحیت‌های کارآفرینی مطرح گردید. همچنین احمدپورداریانی (۱۳۷۷) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به طراحی و تبیین الگوی پرورش مدیران کارآفرین در صنعت پرداخت. نتایج پژوهش وی، با توجه به ادبیات تحقیق و مطالعات صورت گرفته، در قالب دو الگوی موفقیت‌سازمانی کارآفرین و الگوی پرورش مدیران کارآفرین ارائه گردید و همچنین بر اساس دو مدل نظری و فرضیات اصلی متغیرهای گوناگون ویژگی‌های کارآفرین شامل عوامل شخصیتی، سازمانی و جمعیت‌شناختی و موفقیت شامل سه جنبه نوآوری، رشد، تغییر و فرآیند آموزش به تفکیک عوامل معین گردید. همچنین مقیمی و همکارانش (۱۳۹۷) نیز به ارائه الگوی آموزش مهارت محور جهت توسعه کارآفرینی رسانه‌ای پرداختند، با توجه به اینکه مهم‌ترین نگرانی مصاحبه‌شوندگان، نداشتن مهارت در افراد است، کسب مهارت به عنوان مقولات اصلی منابع مالی، انسانی، آموزشی، مرکز آموزش، سازمان و خانواده به عنوان مقوله محوری پژوهش تعیین شد. راشکی و همکارانش (۱۳۹۶) نیز در پژوهش خود به طراحی الگوی مدیریت استعداد کارآفرینانه دانشجویان مؤسسات آموزش عالی کشور با رویکرد داده‌بنیاد پرداختند، مدل استخراج‌شده بدین گونه بود: الگوی پارادایمی مدیریت استعداد کارآفرینانه دانشجویان از شرایط علی (عوامل فردی، عوامل سازمانی و فرا سازمانی)، عوامل زمینه‌ای (اسناد بالادستی و زمینه کاری)، مقوله محوری معماری چندوجهی استعدادهای کارآفرینانه (تعادل بخشی چندوجهی مهارت‌ها، متمایزسازی استعدادهای ساختار سازی استعداد محور)، متغیرهای مداخله‌گر (فرهنگ کارآفرینی، پایداری سیستم موجود کشف استعدادهای مسئولیت‌پذیری اجتماعی)، راهبردها (نهادینه‌سازی سیستم مدیریت استعداد کارآفرینانه دانشجویان، طراحی فرآیند مدیریت استعداد کارآفرینانه چندگانه و طراحی نظام تخصیص منابع) و پیامدها (اشتغال‌زایی، ارزش‌آفرینی و مزیت رقابتی استعدادهای کارآفرینانه) برای دانشگاه‌ها. طالبی و زارع یکتا (۱۳۸۷) نیز در پژوهشی به بررسی آموزش کارآفرینی دانشگاهی و نقش آن در توسعه‌ی شرکت‌های کوچک و متوسط دانش‌بنیان پرداختند، به زعم محققین، دانشگاه می‌تواند و انتظار می‌رود با تکیه بر رسالت اصلی خود یعنی آموزش و پژوهش، مسیر کاربردی نمودن و بهره‌برداری از قابلیت‌های ایجادشده در دانش‌آموختگان را از طریق

ایجاد شرکت‌های کوچک و متوسط دانش بنیان هموار و رشد مداوم دانشگاه، صنعت، دولت و سایر بخش‌های جامعه را در همه‌ی زمینه‌ها عینیت بخشد. موحدی و سپه‌پناه (۱۳۹۵) نیز در پژوهش خود به بررسی مدل دانشگاه کارآفرین در مراکز آموزش عالی کشاورزی پرداختند، در این مطالعه مشخص شد که مهم‌ترین شاخص‌های دانشگاه کارآفرین شامل تعامل مستمر با صنعت، نشست‌های تخصصی با صاحبان صنایع، ایجاد مراکز پارک علم و فناوری در دانشگاه‌ها و ایجاد فرصت‌های مطالعاتی در حوزه‌های مختلف کارآفرینی است.

حال با توجه به اشراف بر پیشینه تجربی پژوهش، مشخص گردید که بسیاری از کارهای انجام‌شده سایر محققین، حاصل ترکیب متغیرهایی از مدل‌های مختلف است و یا اینکه محققین گذشته هر یک بخشی از رویکرد فردی یا سازمانی آموزش را در سازمان یا صنعتی خاص در نظر گرفته‌اند؛ اما آنچه بسیار مهم است، توجه به نقش دانشگاه‌های دولتی در پرورش و تربیت کارآفرینان است.

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش، از رویکرد آمیخته اکتشافی استفاده شد. در مرحله اول، با استفاده از رویکرد کیفی و انجام مصاحبه مدل مفهومی استخراج گردید و در مرحله دوم با استفاده از رویکرد کمی مدل استخراج‌شده در نمونه‌ای وسیع‌تر جهت رسیدن به سطحی از قابلیت تعمیم‌پذیری مورد آزمون قرار گرفت. در بخش کیفی از روش پژوهش داده بنیاد و در بخش کمی از روش توصیفی از نوع پیمایشی استفاده شد. ابزار گردآوری داده‌ها در بخش کیفی شامل مصاحبه بر مبنای نمونه‌گیری نظری و در بخش کمی شامل پرسشنامه بود.

تأیید روایی و پایایی نتایج یک پژوهش کیفی در تمامی روش‌های کیفی از جمله رویکرد گلیزری، استراس - کوربینی و ... تفاوت چندانی ندارد (دانایی فر، ۱۳۸۷)، در این پژوهش برای دستیابی به روایی و پایایی، از تأیید کدگذاری‌ها استفاده شد. کدهای تولیدشده در یک فرم در اختیار چهار نفر از خبرگان آشنا با نظریه داده بنیاد قرار گرفت تا بر مراحل مختلف کدگذاری، مفهوم‌سازی و استخراج مقولات و تدوین نظریه نظارت داشته باشند. همچنین جهت تأیید روایی پرسشنامه و شاخص‌های مدل، از شاخص روایی CVR استفاده شد. از این رو مدل و شاخص‌های استخراج‌شده در اختیار ده تن از خبرگان قرار گرفت و با محاسبه شاخص CVR روایی مدل و شاخص مورد تأیید خبرگان قرار گرفت.

جدول ۱. نتایج اعتبارسنجی پرسشنامه

نتیجه (تأیید/عدم تأیید)	حداقل CVR قابل قبول	CVR به دست آمده	متن سؤال
تأیید	۰.۶۲	۰.۷۶	نظر شما راجع به کلیات شاخص‌های مطرح شده چیست؟
تأیید	۰.۶۲	۰.۸۸	هریک از اجزای پیشنهادی شاخص‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید.
تأیید	۰.۶۲	۰.۸۸	آیا می‌توان گفت که شاخص‌های پیشنهادی تمام اجزای مهم را در نظر گرفته است؟ اگر خیر نام عامل و یا سؤالات لازم را ذکر کنید.

به منظور طراحی مدل پرورش کارآفرینی در آموزش عالی ایران از چهار گروه عمده نظرخواهی گردید:

گروه اول: متخصصان ذی‌صلاح (خبرگان). ملاک انتخاب افراد دارا بودن تخصص، تجربه یا آثار منتشرشده در حیطه کارآفرینی است.

گروه دوم: مدیران عالی و میانی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران.

گروه سوم: دانشجویان دارای آثار پژوهشی در زمینه کارآفرینی و پرورش کارآفرینی.

گروه چهارم: اعضای هیئت‌علمی دانشگاه مطلع در زمینه تحقیق.

جامعه آماری در بخش کمی شامل دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های دولتی شهر تهران بود. برای انتخاب نمونه، با توجه به گستردگی جامعه آماری و اینکه فهرست کامل افراد جامعه مورد مطالعه در دسترس نیست و همچنین با توجه به اینکه انتخاب گروهی از افراد عملی‌تر از انتخاب تک‌تک افراد جامعه است، از نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شد. بر این اساس از میان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران، ۵ دانشگاه تهران، تربیت مدرس، شهید بهشتی، صنعتی شریف و علامه طباطبایی با توجه به فعال بودن آن‌ها در زمینه کارآفرینی (برخورداری از مراکز فعال کارآفرینی و رشد) انتخاب شدند. حجم جامعه ۵ دانشگاه منتخب برابر با ۹۸۷۵۸ نفر (۹۴۰۰۰ نفر دانشجو و ۴۷۵۸ نفر استاد) بود. برای برآورد حجم نمونه در بخش کمی از فرمول کوکران استفاده شد. بر اساس فرمول:

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left[\frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right]}$$

تعداد ۳۸۴ نفر به عنوان افراد نمونه محاسبه شد. لذا تعداد ۴۰۰ پرسشنامه طراحی و تنظیم شد و به صورت تصادفی ۳۵۰ دانشجو و ۵۰ استاد مراکز انتخاب و پرسشنامه در اختیار آن‌ها قرار داده شد.

داده‌های کیفی پژوهش از طریق فرایند کدگذاری، مبتنی بر طرح نظام‌دار نظریه داده بنیاد اشتراس و کوربین (۱۳۸۵) تحلیل شدند. کدگذاری در روش نظریه زمینه‌ای، نشان‌دهنده‌ی عملیاتی است که در آن داده‌ها خردشده، مفهوم‌پردازی می‌شوند و آنگاه با روش‌های تازه، دوباره به هم پیوند می‌خورند (اشتراس و کوربین، ۱۳۸۵: ۷۵). پرسشنامه بر مبنای نتایج تحلیل داده‌های کیفی با استفاده از دستورالعمل طراحی پرسشنامه در پژوهش‌های زمینه‌یابی (سیف، ۱۳۹۰؛ هومن ۱۳۸۶) طراحی شد پژوهشگر در مجموع ۱۱۵ گویه آماده نمود که تمامی آن‌ها بر مبنای طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای در قالب طیف‌های خیلی زیاد - زیاد - متوسط - کم و خیلی کم مورد اندازه‌گیری قرار گرفتند.

یافته‌های پژوهش

پس از انجام مصاحبه‌ها و پیاده‌سازی آن‌ها طی فرآیندی متن مصاحبه‌ها برای یافتن مقوله‌های اصلی، ویژگی‌ها و ابعاد مقولات مورد بررسی قرار گرفتند. در گام اول از متن مصاحبه‌ها گزاره‌ها (ابعاد و ویژگی‌ها) استخراج شدند. در مرحله بعد، داده‌ها در سطح جمله و عبارت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و خرده مقولات کشف شدند؛ یعنی پس از استخراج گزاره‌ها با دسته‌بندی‌هایی که صورت گرفت مقوله‌های فرعی تدوین شدند. در مرحله بعد مقوله‌های اصلی نیز از دسته‌بندی مقوله‌های فرعی استخراج شدند و به‌طور موقت نام‌گذاری شدند. هر مقوله اصلی شامل چند مقوله فرعی بود که همه آن‌ها به‌واسطه گزاره‌های مستخرج از مصاحبه‌ها به‌دست آمدند. واحد اصلی تحلیل برای کدگذاری باز مفاهیم یا همان گزاره‌ها بودند. کدگذاری باز هنگامی متوقف شد که الف) با بررسی دوباره توسط محقق و چهار تن از خبرگان نظریه داده بنیاد، متن مصاحبه‌ها مجدداً همان طبقه‌بندی به دست می‌آمد ب) خرده مقولات و ویژگی‌ها تکراری شده بودند، ج) اطلاعات مرتبط جدیدی از متن مصاحبه‌ها یافت نمی‌شد، حتی اگر اطلاعات جدیدی پیدا می‌شد با طبقه‌بندی موجود منطبق بود.

بعد از انجام ۱۲ مصاحبه تمامی مقوله‌های اصلی و اکثر مقوله‌های فرعی مشخص شدند و مقوله‌ها تکراری شدند یا به‌عبارت دیگر به اشباع رسیدند. برای اطمینان از کیفیت، هر مصاحبه پیاده شده مورد بازنگری مجدد قرار گرفت.

برای وضوح بیشتر، به عنوان نمونه اطلاعات زیر از داده‌ها پدید آمد: چندین مصاحبه‌شونده بیان کردند که برای طراحی مدل پرورش کارآفرینان در دانشگاه‌های دولتی، «باید نیروی انسانی با مهارت‌های تخصصی کارآفرینی وجود داشته باشند»، «نیروی انسانی در دانشگاه‌ها باید دارای شایستگی‌های کارآفرینی باشند»، «نیروی انسانی دانشگاه‌ها باید سازمان‌دهی و رهبری شوند»، «نیروهای موجود در دانشگاه‌ها از استعداد کارآفرینانه برخوردار باشند»، «اصول اخلاقی توسط پرسنل دانشگاه‌ها رعایت شوند»، این موارد و چند مورد دیگر به وجود اساتید متخصص در حوزه کارآفرینی می‌پردازند. لذا بر اساس این گزاره‌ها مقوله‌ای تحت عنوان «سرمایه انسانی متخصص» به وجود آمد. متن مصاحبه‌ها دوباره بررسی شد و چند مقوله مرتبط دیگر که موجب افزایش اشباع این خرده مقوله‌ها می‌گردد، یافت شد. سایر مقوله‌ها نیز به همین طریق ایجاد شدند.

جدول ۲. نمونه‌هایی از فرآیند کدگذاری باز

کدهای شناسایی شده	پاسخ مصاحبه‌شونده	کد مصاحبه
۱. تشکیل مراکز کارآفرینی ۲. تجهیزات کلاس‌ها ۳. کتابخانه‌های مجهز ۴. اینترنت پرسرعت	به نظر بنده کارآفرینی علمی است عملی و برای به عمل درآوردن این علم باید ابتدا در همه دانشگاه‌ها مراکز به‌عنوان مراکز کارآفرینی تأسیس شود. خیلی محدود از دانشگاه‌های کشور دارای مرکز کارآفرینی هستند. برای اجرای طرح پرورش کارآفرینان در دانشگاه‌ها می‌بایست ابتدا ساختارهای لازم از جمله؛ کلاس‌های مجهز، کتابخانه‌های مجهز، اینترنت پرسرعت و از این موارد وجود داشته باشند بعد به فکر پرورش کارآفرینان بود. صرف تشکیل مراکز کارآفرینی کافی نیست باید ابتدا موارد ذکرشده را تهیه کنند.	م ۱
پیوند بین کارآفرینی، بخش خصوصی و صنعت دعوت به همکاری صنایع مختلف ارتباط بین صنعت و دانشگاه با رویکرد کارآفرینانه	بزرگ‌ترین اقتصادهای دنیا از جمله آمریکا و ژاپن با استفاده از کارآفرینی پایه‌های اقتصاد خود را مستحکم کرده‌اند. این دولت‌ها با پیوند بین کارآفرینی، بخش خصوصی و صنعت توانسته‌اند موفقیت‌های چشمگیری را کسب کنند. لذا دانشگاه‌ها برای موفقیت در پرورش کارآفرینان باید از صنایع مختلف دعوت به همکاری کنند و ارتباط بین دانشگاه و صنعت با رویکرد کارآفرینانه برقرار شود.	م ۲

کدهای شناسایی شده	پاسخ مصاحبه‌شونده	کد مصاحبه
<p>محیط دانشگاهی مناسب تولید دانش مضاعف در زمینه کارآفرینی اشتراک در پایگاه داده‌ها</p>	<p>محیط دانشگاه‌ها می‌بایست مناسب و آماده برای پرورش کارآفرینان باشد. در محیط‌های مناسب در زمینه کارآفرینی می‌توان دانش مضاعفی تولید کرد و در اختیار کارآفرینان قرار داد. متأسفانه در حال حاضر اکثر دانشگاه‌ها در حوزه کارآفرینی همچنین محیطی برای رشته کارآفرینی فراهم نکرده‌اند. فقط دانشگاه تهران یک دانشکده کارآفرین دارد مابقی دانشگاه‌ها هنوز نتوانسته‌اند که محیطی مخصوص کارآفرینی فراهم کنند. از موارد دیگر می‌توان اشاره کرد به این که بسیاری از منابع و نظریه‌های موجود در کارآفرینی متعلق به پژوهشگران غیر ایرانی است لذا موضوع اشتراک در پایگاه داده‌ها به عنوان یکی از شرایط اولیه ایجاد محیط مناسب برای پرورش کارآفرینان موضوعیت پیدا می‌کند.</p>	۳ م
<p>امکانات فضای فیزیکی ایجاد معاونت‌های R&D مخصوص کارآفرینی</p>	<p>امکانات فضای فیزیکی دانشگاه‌ها در پرورش کارآفرینان از عواملی است که قبل از پرورش کارآفرینان باید به آن توجه شود. محیط (همان فضای فیزیکی) مناسب موجب ایجاد انگیزه در کارآفرینان می‌شود که یک محیط فیزیکی مخصوص کارآفرینی وجود دارد. بسیاری از دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی معاونت R&D دارند ولی این معاونت عمومی است به نظرم اگر دانشگاه‌ها بتوانند یک معاونت R&D مخصوص کارآفرینی ایجاد کنند در راستای پرورش کارآفرینان گام مهمی بر می‌دارند.</p>	۴ م
<p>منابع اطلاعاتی خوب و در دسترس منابع دانشی</p>	<p>دانشگاه‌ها برای پرورش کارآفرینان باید دارای یک شرایط حداقلی باشند. شرایط حداقلی مانند منابع اطلاعاتی خوب و در دسترس برای دانشجویان و آشنایی با مسائل پایه کارآفرینی. منابع دانشی باید در اختیار کارآفرینان قرار گیرد. یک کارآفرین باید در وهله اول با دانش کارآفرینی و مباحث مربوطه آشنا شود بعد وارد بحث پرورش شود.</p>	۵ م

پس از فرآیند کدگذاری در مجموع ۱۱۵ کد مشترک، ۲۱ مفهوم و ۹ مقوله شناسایی شدند که در ادامه این دسته‌بندی در جدول ۳ گزارش شده‌اند.

جدول ۳. کدها مفاهیم و مقوله‌های شناسایی شده در بخش کیفی تحقیق

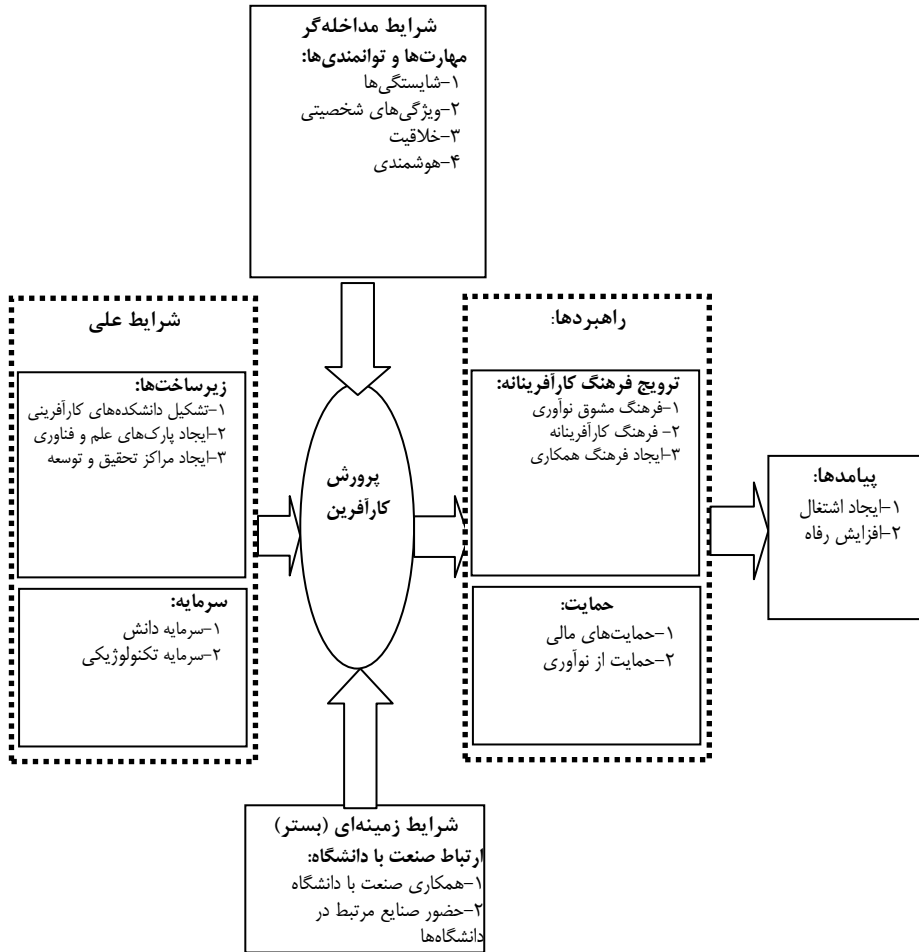
مفاهیم	نشانه‌ها (زیر مؤلفه‌ها)	گویه‌ها
	تشکیل دانشکده‌های کارآفرینی در دانشگاه‌ها	تشکیل مراکز کارآفرینی
		محیط دانشگاهی مناسب
		امکانات فضای فیزیکی
		تجهیزات کلاس‌ها
		آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌ها
زیرساخت‌ها	ایجاد پارک‌های علم و فناوری	مدیریت دانش و فناوری در دانشگاه‌ها
		تولید دانش مضاعف شده در زمینه کارآفرینی
		ثبت اختراعات و خلاقیت‌های دانشجویان
		تجاری‌سازی دانش
		فراهم‌سازی محیط پژوهشگری
	ایجاد مراکز تحقیق و توسعه	فراهم‌سازی محیط‌های کلاسی مشوق بحث و تبادل نظر
		ایجاد معاونت‌های R&D مخصوص کارآفرینی
		منابع دانشی
		اشتراک در پایگاه داده‌ها
		کتابخانه‌های مجهز
سرمایه	سرمایه دانش	منابع اطلاعاتی خوب و در دسترس
		دسترسی به پایگاه اطلاعاتی
		اینترنت پرسرعت
		وبسایت‌های باکیفیت
		بستر الکترونیکی خوب
	سرمایه تکنولوژیکی	پهنای باند خوب
		مهارت پژوهشگری
		مهارت‌های کامپیوتری
		سواد فناوری
		سواد کارآفرینی
مهارت‌ها و توانمندی‌های فردی	شایستگی‌ها	توانمندی‌های شخصی
		علاقه و انگیزه
		داشتن پشتکار و انگیزش
		خودباوری مثبت
		داشتن تفکر خلاق
	ویژگی‌های شخصیتی	

مفاهیم	نشانه‌ها (زیر مؤلفه‌ها)	گویه‌ها	
	خلاقیت	داشتن روحیه کارآفرینی	
		استعداد و دانش	
		استعداد کارآفرینانه	
		خلق نوآوری	
		ایده پردازی	
		خلاقیت فردی	
		فعال و خبره نوآوری	
		توانایی کشف فرصت‌ها	
هوشمندی		هوش کسب و کار	
		هوش بازاریابی	
		هوش مدیریتی	
		هوش تجاری	
		هوش معنوی	
		تفکر استراتژیک	
		آینده‌نگری	
		مهارت یادگیری	
ارتباط صنعت با دانشگاه	همکاری صنعت و دانشگاه	استفاده از نیروهای متخصص صنایع مرتبط به‌عنوان مدرس در دانشگاه‌ها	
		برگزاری برخی از کلاس‌های دانشجویی در محل صنایع مرتبط	
		برگزاری اردوهای تورهای علمی دانشجویان در صنایع مرتبط	
		استفاده از نقاط قوت صنعت	
		همکاری دو طرف دانشگاه و صنعت	
		حضور دانشجویان در اتاق‌های فکر صنایع	
	حضور صنایع مرتبط در دانشگاه		استخدام دانشجویان کارآفرین توسط صنایع مرتبط
			حضور تیم تحقیقی صنایع در دانشگاه‌ها و شناسایی دانشجویان کارآفرین
			طراحی رشته‌های دانشگاهی بر اساس نیازهای صنایع
			ارائه سرفصل‌های درسی با توجه به نیاز صنایع و اهداف آن‌ها
			دعوت از مدیران و کارآفرینان صنایع

مفاهیم	نشانگرها (زیر مؤلفه‌ها)	گویه‌ها
		مختلف در کلاس‌ها درسی دانشگاه
		ایجاد مشاوره‌های شغلی در دانشگاه‌ها توسط صنایع مرتبط
		ایجاد برخی کارگاه‌ها و آزمایشگاه‌های صنایع در دانشگاه‌ها
آموزش	تجدید ساختار در برنامه‌های آموزشی	ارائه درس کارآفرینی برای همه دانشجویان در سطوح تحصیلی
		متناسب کردن سرفصل دروس با مقوله کارآفرینی
		تدوین کتب آموزشی در زمینه کارآفرینی
		تناسب محتوای سرفصل دروس تخصصی، اصلی، پایه و عمومی با کارآفرینی
		آموزش و تمرین خلاقیت در کلاس‌های درسی
		تألیف کتاب‌ها و استخدام اساتید متخصص و مجرب
		آموزش اصول و قواعد کارآفرینی
		برگزاری کلاس‌های عملی کارآفرینی
		برگزاری کلاس‌های آموزش کارآفرینی به‌صورت کارگاهی
		آموزش دانش کارآفرینی و مهارت‌های کارآفرینی
آموزش	تأکید بر بعد عملی آموزش	آموزش کاربردی کارآفرینی
		آموزش کارآفرینی در محیط‌های خارج از دانشگاه
		برگزاری کلاس‌های کارآفرینی در شرکت‌ها و صنایع کارآفرین
		اجرای برنامه‌های آموزشی جهت توانمندسازی
		برگزاری کلاس‌های کارآفرینی در قالب گردش‌های علمی
		برگزاری دوره‌های آموزشی
		یادگیری از طریق آموزش عملی
		ایجاد فضای پذیرش خلاقیت و نوآوری
		فراهم کردن شرایط لازم برای ایده‌های خلاق
		ایجاد جو عدم هراس از آزمون و خطا
ترویج فرهنگ کارآفرینانه	فرهنگ مشوق نوآوری	ارزش تلقی کردن نوآوری
		تحمل ریسک و ریسک‌پذیری
	فرهنگ کارآفرینانه	ایجاد فرهنگ جو مناسب برای کارآفرینی

مفاهیم	نشانه‌ها (زیر مؤلفه‌ها)	گویه‌ها
ایجاد فرهنگ همکاری و همدلی		معرفی کارآفرینان موفق و تجلیل از آن‌ها
		فرهنگ شکست و پذیرش اشتباهات
		داشتن فرهنگ کار گروهی
		علاقه به همکاری و تعاون
		اشتراک‌گذاری خطاها و دانش
		تشویق به کار تیمی
		تمایل به اشتراک‌گذاری ایده‌ها
حمایت‌های مالی		حمایت‌های مالی از کارآفرینان
		تخصیص منابع پولی و مادی به فعالیت‌های کارآفرینانه
		تأمین بودجه
		تأمین هزینه
حمایت		منابع مالی مناسب
		پذیرش و به‌کارگیری ایده‌های جدید
		استفاده از تجارب دانشگاه‌های برتر
		اهمیت قائل شدن برای کارآفرینی
		پاداش دهی به کارآفرینی
		تشویق افراد کارآفرین
		انتخاب دانشجویان و اساتید مناسب
		انگیزه دادن برای استقبال از کارآفرینی
		حمایت از ایده‌های نو
		تولید تحقیقات و مطالعات باکیفیت
اشتغال‌زایی		کسب مهارت‌های ایجاد اشتغال
		برنامه‌ریزی برای ورود به کسب‌وکار
		کسب مهارت‌های جدید و انتقال تکنولوژی
		افزایش دانش فردی
افزایش رفاه		ارتقاء خلاقیت و نوآوری در افراد
		کسب استعداد کارآفرینانه
		درآمدزایی و جذب سرمایه‌گذار برای ایده‌های کارآفرین
درآمدزایی		آینده‌نگری و توفیق طلبی
		رفاه اقتصادی و اجتماعی افراد

مدل مفهومی پیشنهادی در قالب شرایط علی، شرایط مداخله‌گر، شرایط زمینه‌ای، مقوله اصلی، راهبردها و پیامدها در شکل یک ارائه شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی پیشنهادی تحقیق

پس از شناسایی مؤلفه‌های نهایی مدل پرورش کارآفرینان در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران و طراحی مدل مفهومی آن، در بخش کمی تحقیق با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی این مدل مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن در جدول‌های ۴ و ۵ در قالب شاخص‌هایی روایی و پایایی گزارش شده است.

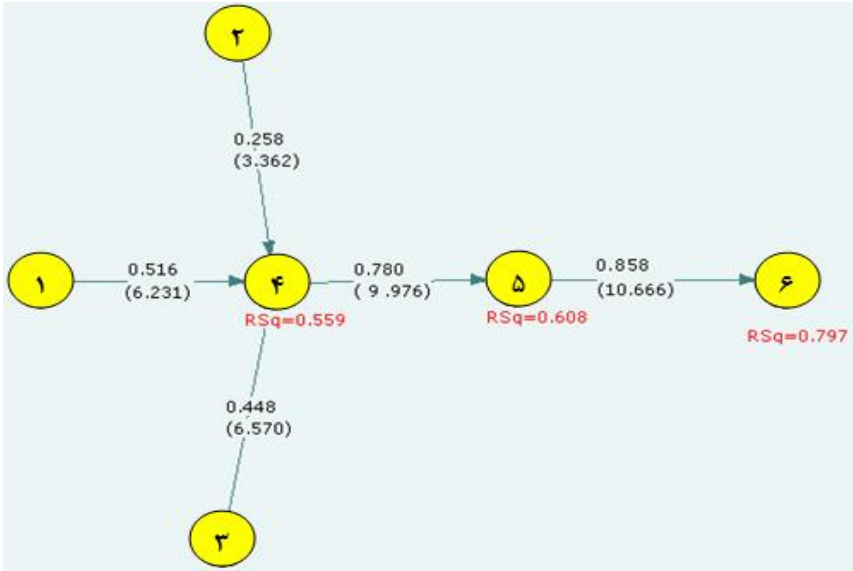
جدول ۴. نتایج شاخص‌های پایایی مؤلفه‌های شناسایی شده

مؤلفه‌ها	بار عاملی	مقدار t	پایایی مرکب <math>< 0.7</math>	آلفا کرونباخ <math>< 0.7</math>
زیرساخت‌ها	۰/۸۹	۱۰/۰۵	۰/۸۴۳	۰/۷۷۱
سرمایه	۰/۸۱	۹/۳۸	۰/۸۹۱	۰/۸۱۵
مهارت‌ها و توانمندی‌های فردی	۰/۸۵	۹/۶۹	۰/۸۵۵	۰/۷۷۵
ارتباط صنعت با دانشگاه	۰/۸۷	۹/۸۲	۰/۸۵۳	۰/۷۷۲
آموزش	۰/۹۲	۱۰/۹۴	۰/۸۸۳	۰/۸۲۳
ترویج فرهنگ کارآفرینانه	۰/۷۸	۹/۰۰	۰/۸۶۷	۰/۸۰۷
حمایت	۰/۸۴	۹/۵۴	۰/۸۶۷	۰/۸۲۳
اشتغال‌زایی	۰/۷۹	۹/۱۷	۰/۸۷۲	۰/۸۳۳
افزایش رفاه	۰/۷۶	۸/۹۱	۰/۷۸۰	۰/۷۶۵

جدول ۵. نتایج شاخص‌های روایی مؤلفه‌های شناسایی شده

مؤلفه‌ها	میانگین واریانس استخراج شده	شاخص همبستگی اسپیرمن	شاخص اشتراکی روایی متقاطع
زیرساخت‌ها	۰/۶۹	۰/۸۰۸	۰/۳۰۴
سرمایه	۰/۶۲	۰/۸۱۴	۰/۴۲۷
مهارت‌ها و توانمندی‌های فردی	۰/۶۶	۰/۷۹۵	۰/۳۳۴
ارتباط صنعت با دانشگاه	۰/۶۷	۰/۸۱۳	۰/۳۳۸
آموزش	۰/۷۱	۰/۸۳۰	۰/۴۱۰
ترویج فرهنگ کارآفرینانه	۰/۵۹	۰/۸۱۲	۰/۳۵۴
حمایت	۰/۶۴	۰/۸۴۴	۰/۳۵۴
اشتغال‌زایی	۰/۶۰	۰/۸۳۴	۰/۳۵۹
افزایش رفاه	۰/۵۶	۰/۷۷۷	۰/۳۷۵

با توجه به اینکه همه شاخص‌های مدل اندازه‌گیری از حد استانداردشان بزرگ‌تر هستند و همچنین با توجه به معناداری مدل اندازه‌گیری (مقدار تی) که برای همه مؤلفه‌ها از $1/96$ بیشتر شده‌اند، لذا مؤلفه‌ها و عوامل شناسایی شده و موجود در بخش کیفی تحقیق به‌خوبی قابلیت اندازه‌گیری متغیر اصلی (پرورش کارآفرینان) را دارند. با توجه به مدل استخراج‌شده در بخش کیفی تحقیق که در قالب پارادایم روش داده بنیاد طراحی شد، در این بخش مدل ساختاری الگوی پیشنهادی با استفاده از نرم‌افزار پی‌آل اس مورد بررسی قرار گرفته است.



شکل ۲. مدل ساختاری الگوی تحقیق

(راهنا: (۱) = شرایط علی، (۲) = شرایط مداخله‌گر، (۳) = شرایط زمینه‌ای، (۴) = مقوله اصلی، (۵) = راهبردها، (۶) = پیامدها)

در تحلیل مدل‌های ساختاری به کمک رویکرد حداقل مربعات جزئی، سه معیار اصلی برای آزمون مدل‌های ساختاری وجود دارد: (۱) شاخص ضریب تعیین (R^2)؛ (۲) معناداری ضرایب مسیر (بتا)؛ و (۳) شاخص افزونگی یا ارتباط پیش‌بین.

جدول ۴. شاخص ضریب تعیین

متغیر	ضریب تعیین R^2
مقوله اصلی	۰/۵۵۹
راهبردها	۰/۶۰۸
پیامدها	۰/۷۹۷

در مدل‌سازی معادلات ساختاری در صورتی که مقدار ضریب معناداری بزرگ‌تر از قدر مطلق ۱/۹۶ باشد فرضیه‌های تحقیق تأیید می‌شوند. در شکل فوق با توجه به اینکه همه ضرایب بزرگ‌تر از ۱/۹۶ شده‌اند لذا همه مسیرهای موجود در مدل فوق مورد تأیید هستند.

جدول ۵. نتایج مدل مسیری الگوی تحقیق

نتیجه	ضریب معناداری	ضریب مسیر	مسیر
تأیید	۶/۲۳۱	۰/۵۱۶	شرایط علی ← مقوله اصلی
تأیید	۳/۳۶۲	۰/۲۵۸	شرایط مداخله‌گر ← مقوله اصلی
تأیید	۶/۵۷۰	۰/۴۴۸	شرایط زمینه‌ای ← مقوله اصلی
تأیید	۹/۹۷۶	۰/۷۸۰	مقوله اصلی ← راهبردها
تأیید	۱۰/۶۶۶	۰/۸۵۸	راهبردها ← پیامدها

یکی دیگر از شاخص‌های برازش مدل ساختاری، شاخص Q^2 است. این معیار که توسط استون و گیسر (۱۹۷۵) معرفی شد، قدرت پیش‌بینی مدل در سازه‌های درون‌زا را مشخص می‌کند. به اعتقاد آن‌ها مدل‌هایی که دارای برازش ساختاری قابل قبول هستند، باید قابلیت پیش‌بینی متغیرهای درون‌زای مدل را داشته باشند. بدین معنی که اگر در یک مدل، روابط بین سازه‌ها به درستی تعریف شده باشند، سازه‌ها تأثیر کافی بر یکدیگر گذاشته و از این راه فرضیه‌ها به درستی تأیید شوند. هینسلر و همکاران (۲۰۰۹) سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را به عنوان قدرت پیش‌بینی کم، متوسط و قوی تعیین نموده‌اند.

جدول ۶ نشان می‌دهد که کیفیت مدل ساختاری برای تمامی متغیرهای مدل بیشتر از سطح متوسط و قوی قرار دارد. لذا مدل ساختاری پژوهش از کیفیت مناسبی برخوردار است.

جدول ۶. شاخص روایی متقاطع افزونگی

متغیر	$Q^2 (=1-SSE/SSO)$
مقوله اصلی	۰/۲۰۳
راهبردها	۰/۲۵۱
پیامدها	۰/۳۲۷

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش بر اساس شیوه‌های ترکیبی نوعی استراتژی پژوهشی برای گردآوری، تحلیل و ترکیب داده‌های کمی و کیفی است که برای فهم مسائل پژوهشی در حین انجام یک پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرد. لذا در این بخش با توجه به یافته‌های پژوهش و با تأکید بر سؤال‌های ویژه مرحله کیفی در هر بخش نتایج یافته‌های کمی نیز ارائه گردید. به عبارت دیگر، با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، الگوی حاضر شامل ابعادی است که هر یک نقش بسزایی در پرورش کارآفرین در جامعه می‌تواند داشته باشد. بدون شک، آموزش کارآفرینی مستلزم برخورداری از زیرساخت‌های مناسب آموزشی همچون مراکز تحقیق و توسعه، پارک‌های علم و فناوری و دانشکده‌های تخصصی است، اما این امر به تنهایی تضمین‌کننده موفقیت پرورش کارکنان نیست، بلکه میزان مهارت و توانمندی افراد در تحقق آموزش کارآفرینی مؤثر است. آنچه در این میان بسیار مهم است، وجود زمینه‌های مناسب و مرتبط با کارآفرینی در حوزه همکاری دانشگاه و صنعت است، الگوی پرورش کارآفرین، تنها زمانی می‌تواند مثمر ثمر واقع گردد که از حمایت مالی و نوآوری مناسب برخوردار گردد همچنین این امر نیازمند ترویج فرهنگ کارآفرینی از طریق ارائه مشوق‌های نوآورانه و فرهنگ همکاری است؛ که پیامد پیاده‌سازی این الگو ایجاد اشتغال و افزایش رفاه است. لذا، باید گفت که نتایج این تحقیق دارای دو بعد عمده اکتشاف مدل پرورش کارآفرینان و آزمون تعمیم‌پذیری آن بود که به‌واقع هر دو پوشش‌دهنده مفهوم الگوی پرورش کارآفرینان در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران هستند. لذا در این بخش با استفاده از نظریه داده بنیاد سعی گردید تا به پرسش اصلی پاسخ گفته شود. پرسش اصلی در قالب شش پرسش فرعی طراحی شد که مؤلفه‌های روش‌گرد تئوری هستند. شرایط علی، شرایط مداخله‌گر، شرایط زمینه‌ای، مقوله محوری، راهبردها و پیامدهای پرورش کارآفرینان در دانشگاه‌های دولتی کدام‌اند؟ دلیل استفاده از این راهبرد به کاربردی بودن و دستیابی به مجموعه‌ای از قضایا و مدلی آزمون‌پذیر در مرحله کمی پژوهش در عین اتکا به دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان آن بازمی‌گردد. با توجه به مدل طراحی‌شده و نتایج کسب‌شده در ادامه پیشنهادهای کاربردی برای دانشگاه‌های دولتی شهر تهران ارائه شده است.

با توجه به اینکه زیرساخت‌ها و سرمایه به‌عنوان شرایط علی پرورش کارآفرینان در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران شناخته شده‌اند، پیشنهاد می‌گردد همه دانشگاه‌های دولتی، اقدام به راه‌اندازی دانشکده کارآفرینی نمایند؛ به گونه‌ای که دارای محیط دانشگاهی مناسب، امکانات

فیزیکی و تجهیزات مدرن کلاس‌های درسی و آزمایشگاه‌های مرتبط باشند. همچنین برای مدیریت دانش و فناوری در دانشگاه‌ها، ثبت اختراعات و خلاقیت‌های دانشجویان و تجاری‌سازی دانش پارک‌های علم و فناوری مختص کارآفرینی تشکیل شود. از طرفی، همه دانشگاه‌ها، مراکز تحقیق و توسعه با رویکرد؛ فراهم‌سازی محیط پژوهشگری و کلاس‌های مشوق بحث و تبادل نظر تشکیل دهند. دانشگاه‌ها سرمایه‌دانشی لازم از جمله؛ منابع دانشی، اشتراک در پایگاه داده‌ها، کتابخانه‌های مجهز، دسترسی به پایگاه‌های اطلاعاتی برای پرورش کارآفرینان ایجاد کنند. پیشنهاد می‌شود دانشگاه‌های دولتی سرمایه‌تکنولوژیکی خود را ارتقاء دهند. اینترنت پرسرعت، وبسایت‌های باکیفیت، پهنای باند مناسب و ...

با توجه به اینکه ارتباط صنعت با دانشگاه به عنوان شرایط زمینه‌ای (بستر) پرورش کارآفرینان در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران شناخته شده‌اند، پیشنهادهایی ارائه می‌گردد: استفاده از نیروهای متخصص صنایع مرتبط به عنوان مدرس در دانشگاه‌ها، برگزاری برخی از کلاس‌های دانشجویی در محل صنایع مرتبط. برگزاری اردوها و تورهای علمی دانشجویان در صنایع مرتبط، حضور تیم تحقیقی صنایع در دانشگاه‌ها و شناسایی دانشجویان کارآفرین، طراحی رشته‌های دانشگاهی بر اساس نیازهای صنایع، ارائه سرفصل‌های درسی با توجه به نیاز صنایع و اهداف آن‌ها و ایجاد برخی کارگاه‌ها و آزمایشگاه‌های صنایع در دانشگاه‌ها.

با توجه به اینکه مهارت‌ها و توانمندی‌ها به عنوان شرایط مداخله‌گر پرورش کارآفرینان در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران شناخته شده‌اند، پیشنهادهای ذیل ارائه می‌گردد:

دانشگاه‌ها بر شایستگی‌های دانشجویان تأکید داشته باشند و دانشجویانی با مهارت‌های پژوهشگری، کامپیوتری و دارای سواد فناوری و کارآفرینی را برای پرورش انتخاب کنند. دانشگاه‌ها بر روی ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان از جمله؛ علاقه و انگیزه، پشتکار و خودباوری مثبت و داشتن تفکر خلاق برنامه‌ریزی کنند و در راستای تقویت و هدایت این ویژگی‌ها اقدامات لازم را انجام دهند. خلاقیت یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین متغیرهای مرتبط با کارآفرینی است. لذا به دانشگاه‌ها پیشنهاد می‌شود که در زمینه استعداد کارآفرینانه، خلق نوآوری، ایده‌پردازی و توانایی کشف فرصت‌ها آموزش‌های لازم را برای دانشجویان فراهم کنند. با توجه به اینکه آموزش به عنوان مقوله اصلی پرورش کارآفرینان در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران شناخته شده است، پیشنهاد می‌شود که دانشگاه‌ها در برنامه‌های آموزشی خود تجدید ساختار نمایند و موارد زیر را مدنظر قرار دهند:

ارائه درس کارآفرینی برای همه دانشجویان در سطوح تحصیلی، متناسب کردن سرفصل دروس با مقوله کارآفرینی شامل تدوین کتب آموزشی در زمینه کارآفرین، تناسب محتوای سرفصل دروس تخصصی، اصلی، پایه و عمومی با کارآفرینی، آموزش و تمرین خلاقیت در کلاس‌های درسی، تألیف کتاب‌ها و استخدام اساتید متخصص و مجرب همچنین پیشنهاد می‌شود دانشگاه‌ها بر بعد عملی آموزش تأکید داشته باشند. برای این کار انجام اقدامات زیر توصیه می‌شود: برگزاری کلاس‌های عملی کارآفرینی، برگزاری کلاس‌های آموزش کارآفرینی به صورت کارگاهی، آموزش دانش کارآفرینی و مهارت‌های کارآفرینی، آموزش کارآفرینی در محیط‌های خارج از دانشگاه، برگزاری کلاس‌های کارآفرینی در شرکت‌ها و صنایع کارآفرین، برگزاری کلاس‌های کارآفرینی در قالب گردش‌های علمی و با توجه به اینکه ترویج فرهنگ کارآفرینانه و حمایت به عنوان راهبردهای پرورش کارآفرینان در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران شناخته شده‌اند، پیشنهادهای ذیل ارائه می‌گردد:

دانشگاه‌ها فرهنگ مشوق نوآوری را ترویج دهند. با ایجاد فضای پذیرش و استقبال از خلاقیت و نوآوری و فراهم کردن شرایط لازم برای ایده‌های خلاق و همچنین ایجاد جو عدم هراس از آزمون و خطا می‌توانند فرهنگ مشوق نوآوری ایجاد کنند، دانشگاه‌ها با ایجاد فرهنگ کارآفرینانه از طریق؛ تحمل ریسک و ریسک‌پذیری، معرفی کارآفرینان موفق و تجلیل از آن‌ها، ایجاد فرهنگ جو مناسب برای کارآفرینی، می‌توانند در امر پرورش کارآفرینان موفق‌تر عمل کنند. دانشگاه‌ها با ایجاد جو همکاری و همدلی در دانشجویان علاقه‌مند به کارآفرینی می‌توانند در زمینه‌ها؛ فرهنگ گروهی، علاقه به تعاون و همکاری، اشتراک‌گذاری خطاها و دانش و تمایل به اشتراک‌گذاری ایده‌ها که موجب پرورش موفق‌تر کارآفرینان می‌شوند، برنامه‌ریزی دقیق‌تری انجام دهند. حمایت‌های مالی اگر اصلی‌ترین راهبرد نباشند یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین راهبردها در پرورش کارآفرینان می‌باشند. دانشگاه‌ها با تخصیص منابع پولی و مادی به فعالیت‌های کارآفرینانه و تأمین هزینه و بودجه از کارآفرینی حمایت کنند.

دانشگاه‌ها همچنین می‌توانند با اقدامات ذیل از کارآفرینان حمایت کنند: پذیرش و به‌کارگیری ایده‌های جد، استفاده از تجارب دانشگاه‌های برتر.

رسمیت قائل شدن برای کارآفرینی تشویق افراد کارآفرین و پاداش دهی به کارآفرینی، انتخاب دانشجویان و اساتید مناسب. از طرفی دیگر، محققین آینده

می‌توانند متناسب با ساختار دانشگاهی (اعم از صنعتی، علوم انسانی، علمی کاربردی و ...) الگوی حاضر را بسط و توسعه دهند. همچنین ضروری است در صورت تأیید الگوی ارائه شده پژوهش در پژوهش‌های تأییدی آینده، در ادامه با مبنا قرار دادن نتایج این پژوهش، محققین به بررسی رویه‌های توانمندسازی کارآفرینان جهت ورود به حوزه تجاری‌سازی بپردازند.

در ادامه می‌توان به یکی از محدودیت پژوهش حاضر اشاره نمود که در این پژوهش شامل، عدم هماهنگی و تعریف دقیق مبنای دانشگاهی در کشور با کشورهای دیگر است که این امر امکان بسط یافته‌های پژوهش به سایر کشورها را ندارد.

منابع

- امینی، محمد. تمنایی فر، محمدرضا و غلامی علوی، صدیقه. (۱۳۹۲). ارزیابی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان؛ بازاندیشی در مأموریت‌های برنامه درسی آموزش عالی، *فصلنامه توسعه کارآفرینی*، دوره ۱۶(۱)، ۱۴۵-۱۶۴.
- حسینی لرگانی، سیده مری. میر عرب رضی، رضا و رضایی، سعید. (۱۳۹۷). آموزش کارآفرین در هزاره جدید، زیرساختی برای اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، دوره ۱۱۴(۴)، ۳۰-۴۴.
- راشکی، مریم. سالارزهی، حبیب‌الله. کمالیان، امین‌رضا. (۱۳۹۶). طراحی الگوی مدیریت استعداد کارآفرینانه دانشجویان مؤسسات آموزش عالی کشور با رویکرد داده بنیاد. *توسعه کارآفرینی*، دوره ۱۰(۴)، صص ۵۹۵-۶۱۴.
- زمانی، غلامرضا. قاسمی، جابر. عدالتی، علی. (۱۳۹۰). تبیین ارتباط بین جو نظام آموزش عالی و پرورش روحیه خلاقیت و کارآفرینی در دانشجویان (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه پیام نور عسلویه)، *مجموعه مقالات کنفرانس ملی کارآفرینی*.
- سلجوقی، خلیل. (۱۳۹۶). نقش آموزش‌های کارآفرینی در نظام‌های آموزشی و پرورشی ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه سیاست علم و فناوری*، دوره ۲(۲)، ۸۵-۱۱۰.
- سلیمان پور. محمدرضا. (۱۳۹۰). بررسی مقایسه‌ای دیدگاه دانشجویان کارشناسی ارشد پیرامون توسعه کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی (مورد مطالعه: استان تهران)، *فصلنامه پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی*، دوره ۴(۱)، ۸۰-۶۶.
- شریف‌زاده، احمد. عبدالله زاده، غلامرضا و شریفی، مهدی. (۱۳۹۲). شیوه‌ها و معیارهای توسعه برنامه آموزش کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی، *برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، دوره ۷(۳۲)، ۳۶-۵۰.

- شریف‌زاده، محمد شریف و عبدالله زاده، غلامحسین. (۱۳۹۴). مؤلفه‌های توسعه‌ی آموزش کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشاورزی، فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، دوره ۷ (۳۲)، ۴۲-۵۷.
- طالبی، کامبیز. زارع یکتا، محمدرضا. (۱۳۸۷). آموزش کارآفرینی دانشگاهی و نقش آن در ایجاد و توسعه‌ی شرکت‌های کوچک و متوسط دانش بنیان. توسعه کارآفرینی، دوره ۱ (۱)، ۱۱۱-۱۳۱.
- فرجی، فرشته. احسانی، ته‌مین. نادری، نادر. رضایی، بیژن. (۱۳۹۳). بررسی نقش کارآفرینی و توسعه اقتصادی، نشریه کارآفرینی در کشاورزی، دوره ۱ (۴)، ۲۷-۱.
- مقیمی، سیدمحمد. خنیفر، حسین. اردیبهشت، محمدمهدی. شریفی، سیدمهدی. (۱۳۹۷). ارائه الگوی آموزش مهارت محوری برای توسعه کارآفرینی رسانه‌ای. توسعه کارآفرینی، دوره ۱۱ (۴)، ۷۰۰-۶۸۱.
- موحدی، رضا؛ سپه پناه، مرجان. (۱۳۹۵). بررسی مدل دانشگاه کارآفرین در مراکز آموزش عالی کشاورزی. نشریه کارآفرینی در کشاورزی، جلد سوم، شماره چهارم، صص ۱۷-۳۷.
- Amit, R., & Schoemaker, D. C. (2017). Strategic assets and organizational rent. *Strategic Management Journal*, 14(1), 33-46.
- Birley, S. (2016). Universities, Academics, and Spinout Companies: Lessons from the Imperial. *International Journal of Entrepreneurship Education*, 1(1), 133-53.
- David A. Kirby, Maribel Guerrero & David Urbano (2011) Making Universities More Entrepreneurial: Development of a Model. *Canadian Journal of Administrative Sciences* 28, 302-316.
- Jacob, M., Lundqvist, M., & Hellsmark, H. (2016). Entrepreneurial transformations in the Swedish University system: the case of Chalmers University of Technology. *Research Policy*, 32(9), 1555-1569.
- Kirby, D. A. (2012). Creating entrepreneurial universities in the UK: Applying entrepreneurship theory to practice. *Journal of Technology Transfer*, 31(5), 599-603.
- Laukkanen, M. (2014). Exploring Alternative Approaches in High level Entrepreneurship Education: Creating Micro-mechanisms for Endogenous Regional Growth. *Entrepreneurship and Regional Development*, 12, 25-47.
- Mok, K. (2014). Fostering entrepreneurship: Changing role of government and higher education governance in Hong Kong. *Research Policy*, 34(4), 537-554.
- Movahedi, R. and Charkhtabian, T. 2013. Identifying entrepreneurship abilities in agricultural extension and education specialized credits. *Intl J Agri Crop Sci.*, 5(23), 2845-2851.

- Ray, D.M. (2018) Teaching Entrepreneurship in Asia: Impact of a pedagogical innovation. *Entrepreneurship, Innovation and Change*, 6(3), 193–227.
- Wolfe, D.A. (2017). *The role of universities in regional development and cluster formation*. In G.A. Jones, P.L. McCarney, & M.L. Skolnik (Eds.), *Creating Knowledge, Strengthening Nations: The Changing Role of Higher Education*. Toronto: University of Toronto Press.
- Zhao, F. (2015). Academic Entrepreneurship: Case study of Australian Universities. *The International Journal of Entrepreneurship and Innovation*, 5(2), 91–97.